



دکتر محسن وحدانی  
عضو هیئت علمی  
دانشگاه اصفهان

# رویکرد پرسش محوری در آموزش سلامت و تربیت بدنی

الگوهای آموزشی که قبلاً در نظام‌های تعلیم و تربیت حاکم بودند و اکنون نیز در برخی از جوامع جاری هستند، کمتر به مقوله تفکر در دانش‌آموزان پرداخته‌اند. این الگوها همچون کارخانه‌ای بودند که مغز کودکان را مانند مخزنی خالی در نظر می‌گرفتند تا آن را با محتوای یکسان و یکنواخت پر کنند. در این الگوها برنامه درسی از پیش تعیین شده به همه دانش‌آموزان (با تمام تفاوت‌های فردی آنان) یکسان ارائه می‌شد. بعدها برخی از پژوهشگران همچون **هاست** بیان داشتند که الگوهای حاکم بر بسیاری از نظام‌های آموزشی همچون غذاهایی فوری (فست‌فود) هستند که می‌خواهند دانش‌آموزان سریع‌تر به استانداردهای آموزشی دست یابند و به مرحله بعد وارد شوند. در این روندها آسیب‌های جدی روانی به دانش‌آموزان، اولیا و معلمان وارد می‌شد.

با توسعه ایده‌های علمی در حوزه روش‌های آموزشی، رویکردهای جدیدی توجه پژوهشگران و متولیان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرد. متخصصان به این نتیجه دست یافتند که رویکردهای جدید باید با تغییرات و دگرگونی‌های عصر حاضر هم‌سو باشند؛ بینشی جدید که در آن، نظام‌های تعلیم و تربیت بتوانند دانش‌آموزان را در برابر چالش‌های زمان خود توانمند کنند؛ رویکردهایی که فعال‌تر، خلاق‌تر و دانش‌آموزمحورترند و یادگیری را تا ژرفای وجودی دانش‌آموزان توسعه می‌دهند. این انتظارات در ادبیات سند تحول بنیادین نیز به خوبی تشریح شده‌اند، همان‌گونه که در چرخش‌های تحول‌آفرین آمده است: «از دانش‌آموز منفعل در کلاس درس به مترقی فعال در محیط‌های تربیتی»، «از انباشت اطلاعات و حافظه‌محوری به کسب شایستگی‌ها در تمام ساحت‌های تربیت» و در خصوص روش‌های یاددهی-یادگیری «از روش‌های خشک، فردی و انعطاف‌ناپذیر به روش‌های خلاق، فعال و گروهی».

یکی از این رویکردهای تربیتی، پرسش‌محوری است. هدف این رویکرد برخلاف رویکرد کارخانه‌ای، انتقال مفاهیم یا تلمبار کردن ذهن دانش‌آموزان از دانش نیست، بلکه خلق و ایجاد فرصت‌های تربیتی برای توسعه تفکر در آنان است. پژوهشگران در این رویکرد به دنبال ایجاد استقلال فکری در دانش‌آموزان هستند و هدف آنان، نه فقط تربیت دانش‌آموزان دانا (کسانی که می‌دانند) و فهیم (کسانی که می‌فهمند)، بلکه هدف مهم‌تر، تربیت دانش‌آموزان متفکر و کنجکاو است که فکر می‌کنند و می‌پرسند.

مقوله پرسشگری در ادبیات دینی نیز مطرح شده است. برای مثال در قرآن کریم بارها عبارتهای متعدد، از جمله «أفلاتتفكرون» (انعام/۵۰) و «لعلکم تتفكرون» (بقره/۲۱۹) آمده‌اند. پژوهشگران حوزه علوم شناختی نیز به موضوع

پرسشگری توجهی ویژه دارند، به گونه‌ای که بسیاری از آنان مهارت‌های فراشناختی را در زمره مهارت‌های پرسشگری می‌دانند. دانشمندان علم اعصاب بر این باورند که مغز انسان ذاتاً عاشق چالش، عاشق سؤال‌پرسیدن و عاشق این است که به دنبال سؤالی برود و برای آن پاسخی بیابد تا آن چالش حل شود. استقبال مغز از چالش، مشروط به برانگیختگی آن (از سوی معلم) است.

در رویکرد پرسش‌محوری، معلم به جای انتقال اطلاعات، تسهیلگر و محرک برای نقد و پرسشگری فراگیرندگان است. در این رویکرد، یادگیری نیز از «به‌خاطر سپردن اطلاعات و دانش» به «ساخت فعال دانش» مفهوم پیدا می‌کند. در رویکرد پرسش‌محوری، معلم تسهیلگری می‌کند تا دانش‌آموزان فعالانه خالق دانش و معانی باشند. بدیهی است این سبک از یادگیری نتیجه انگیزش درونی فراگیرندگان است. بنابراین، مقوله انگیزش نیز در این رویکرد بیشتر نیازمند انگیزش درونی است تا بیرونی. در این رویکرد، یادگیری حاصل یک فرایند و کنشگری اجتماعی است که می‌تواند دربرگیرنده تفکر، بحث، نقد، ارزشیابی، حل مسئله، طوفان فکری و کار گروهی باشد. برای عمق‌بخشیدن به یادگیری، فرصت‌های یادگیری باید نزدیک به شرایط واقعی باشند. برای زمینه‌سازی مؤثرتر و پیاده‌سازی این رویکرد، معلم باید محیطی امن و آزاد برای پرسشگری ایجاد کند، با طرح تکالیف چالشی فرصت اندیشیدن و تفکر خلق کند، به جای سخنرانی و تک‌گویی به بحث گروهی اهمیت دهد و بتواند بازخوردهای آموزنده و سازنده ایجاد کند.

اما چگونه می‌توان از نظر ساختاری این نوع رویکردهای جدید را جایگزین رویکردهای سنتی و گذشته کرد؟ برای این منظور باید مجموعه عناصر برنامه درسی متحول شوند. ابتدا برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت به عنوان هسته مرکزی با رویکردهای جدید جایگزین شود، استانداردهای محتوایی و ارزشیابی باید با دقت بررسی شوند و به تناسب آن‌ها در محتوای برنامه تغییر جدی ایجاد شود. گام بعد، آموزش و توانمندسازی است که باید هم‌زمان با فرایند اشاعه و ترویج رویکردهای جدید ایجاد شود. سبک‌های نوین تدریس که بر شیوه‌های اکتشافی تأکید دارند، جایگزین و آموزش داده شوند. بهره‌مندی معلمان از روش‌های اکتشافی هدایت‌شده هم‌گرا و واگرا می‌تواند فرصت‌های یادگیری عمیق‌تر ایجاد کند. برای آموزش نیروی انسانی باید برنامه‌های درسی نیز متحول شوند.

سرمشاً این تغییرات می‌تواند از دانشگاه‌ها، به‌ویژه دانشگاه فرهنگیان، باشد.

## پژوهشگران

در رویکرد

پرسش‌محوری

به دنبال ایجاد

استقلال فکری در

دانش‌آموزان هستند

و هدف آنان، نه فقط

تربیت دانش‌آموزان

دانا (کسانی

که می‌دانند) و

فهیم (کسانی که

می‌فهمند)، بلکه

هدف مهم‌تر، تربیت

دانش‌آموزانی متفکر

و کنجکاو است

که فکر می‌کنند و

می‌پرسند